

۱۵۴۸۳۰۳۰

گلچین اشعار حماسی شاهنامه فردوسی

جنگ دارا با اسکندر

ابوالقاسم فردوسی

به کوشش: ساحل فروزانفر

www.ketab.ir

سرشناسه: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ق. عنوان قراردادی: شاهنامه
برگزیده. عنوان و نام پدیدآور: جنگ دارا با اسکندر / تألیف ابوالقاسم
فردوسی؛ به کوشش ساحل فروزانفر. مشخصات نشر: تهران: ساحل زندگی،
۱۳۹۶. مشخصات ظاهری: ۶۲ ص. شابک: ۹۵-۹۸۳۶۸-۶۰۰-۹۷۸.
وضعیت فهرست نویسی: فیبا. فروست: گلچین اشعار حماسی شاهنامه فردوسی:
شعر فارسی قرن ۴. شناسه افزوده: فروزانفر، ساحل، ۱۳۷۲-گردآورنده.
رده بندی کنگره: ۱۴۱۳۹۶ش/ PIR۴۴۹۱. رده بندی دیویی: ۸۱/۲۱. اف ۸.
شماره کتابشناسی: ۲۲۰۱۵۲۵



انتشارات ساحل زندگی

تهران: خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۶
تلفن: ۶۶۴۹۲۲۲۷

گلچین اشعار حماسی شاهنامه فردوسی

جنگ دارا با اسکندر

ابوالقاسم فردوسی

به کوشش: ساحل فروزانفر

ناشر: انتشارات ساحل زندگی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۵-۹۸۳۶۸-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

فهرست

۵	مقدمه
۱۱	داستان اشم و بغداد
۱۲	بهریاسف یار
۱۴	در بند انداختن بهمن زال را
۱۵	رزم فرامرز با یزید و کشته شدن او
۱۷	رها کردن بهمن زال را و بازگشتن به ایران
۱۹	به زنی گرفتن بهمن همای و دختر خویش را و ولی عهد کردنش
۲۰	همای
۲۲	پروردن گاوَر داراب را
۲۴	پرسیدن داراب نزد خود از زن گاوَر
۲۶	آگاه شدن رُشنواد از کار داراب
۲۸	رزم داراب با لشکر روم
۳۰	بازگشتن همای پسر را
۳۲	بر تخت نشاندن همای داراب را
۳۳	داراب
۳۵	شکستن داراب لشکر شعیب را
۳۵	رزم کردن داراب با فیلقوس و به زنی گرفتن دخترش را
۳۸	بازفرستادن داراب ناهید را و زادن سگند از او
۳۹	دارا پسر داراب
۴۰	مردن فیلقوس و بر تخت نشستن اسکندر
۴۲	آمدن سگندر به رسولی خویش نزد دارا

- ۴۵ رزم دارا با اسکندر و شکست یافتن او
- ۴۶ رزم دوم دارا با اسکندر
- ۴۸ رزم سوم اسکندر با دارا و گریختن دارا به کرمان
- ۵۰ نامه‌ی دارا به اسکندر در کار آشتی جستن
- ۵۱ کشته شدن دارا به دست دستوران خود
- ۵۳ اندرز کردن دارا با اسکندر و مردن
- ۵۶ نامه نوشتن اسکندر نزد بزرگان ایران
- ۵۸ اسکندر
- ۵۹ نامه‌ی اسکندر نزد دلاری، مادر روشنگ
- ۶۱ به زنی رفتن اسکندر روشنگ را

مقدمه

ابوالقاسم فردوسی از لحاظ زنده کردن تاریخ و داستان ملی و از جهت نفس تازه دمیدن به زبان فارسی بی شبهه بزرگترین شاعر ایران زمین است. و دیگر سرایندگان و گویندگان ما در این هنر به پایه او نمی‌رسند. استادی به بزرگی تاریخ که دریچه‌ای به جهان ادبیاتمان گشود هم او بود که پارسی را زنده کرد. با شیوایی سخن، ادبیات را ماندگار کرد. تا آنجا که آوازه‌اش تا کرانه‌ها پیچید. فردوسی یکی از ستارگان درخشان آسمان ادب فارسی و از مفاخر نام آور ملت ایران است و به سبب همین عظمت مقام و مرتبت، زندگی او مانند سایر بزرگان در عرصه ادبی ایرانی با افسانه‌ها و روایات مختلف آمیخته شده دریا شخشی بدین بزرگی و مقام، شرح حال و تاریخ زندگیش ناقص و مجهول است و آنچه بر ما معلوم است اندکی از بسیار است. تولد او در سال ۳۲۹ در غریه از ناحیه طبران طوس بوده یعنی همان جا که امروزه آرامگاه او است. فرسوسه مردی وطن پرست و در میهن پرستی استوار بود. این مطلب را می‌توان در جای جای شاهنامه و خصوصاً از شور و عشق فردوسی که در سبیس ایران و نژاد ایرانی است و به خوبی آشکار است یافت بطوریکه سی و پنج سال برای سرودن شاهنامه رنج می‌برد و تمام دارایی خود را از دست می‌دهد و در پایان عمر تهیدست می‌شود چرا که عشق به ایران و ایرانی تا آنجا در وجودش رسوخ کرده بود که بر آن شد تاریخ میهن خود و افتخارات گذشته آنرا که در خطر نیستی و فراموشی می‌دید احیا کند و بتواند از

بلاغت و فصاحت معجزه آسا و شیوایی سخن خود بهره مند شود و آن را از زوال و فراموشی برهاند. و باید گفت که در این راه خدایی کرد. تا آنجا که حتی در مرگ پسرش از ادامه کار باز نایستاد تا شاهنامه را همانگونه که از نامش بر می آید جاودان نماید، برای ایرانی که می خواست جاودان بماند. زبان از گفتن هر آنچه در این ۳۵ سال بر او گذشته قاصر است باشد که پاسش «بداریم این دردانه تاریخ را». فردوسی از تاریخ نیاکان خود و از داستانها و افسانه‌ها و تاریخ ایران اطلاع و یا به داشتن آنها شوق و علاقه داشت و تربیت خانوادگی وی را بر این داشت که بدون مشوق و محرک، خرد به این نار عظیم دست زند. در حالیکه تذکره‌نویسان در شرح حال برده‌های گذشته اند؛ که او به تشویق سلطان محمود به نظم شاهنامه پرداخت و دولت این اشتباه آن است که نام محمود در نسخ موجود شاهنامه، دومین نسخه شاهنامه فردوسی است توسط خود شاعر گنجانیده شده، نسخه اول شاهنامه که مختصر بود به منظوم ساختن متن شاهنامه ابومنصور رفعی آغاز شده بود، که ۱۹ سال از عمر دولت سامانی باقی بود و اگر فردوس تقدیم منظومه خود را به پادشاهی لازم می‌شمرد ناگزیر به درگاه آل سامان که خریدار اینگونه آثار بود، روی می‌نمود و به هر حال نمی‌توانست در آن تاریخ به درگاه سلطانی که هنوز روی کار نیامده بود بشتابد. محمود، ترک راد غرنوی نه تنها در شاهنامه استاد طوس تأثیری نداشت، بلکه تنها کار او، تبدیل گه‌ینده آن به گناه دوست داشتن نژاد ایرانی و اعتقاد به تشیع بوده است و این.

نظم داستانهای حماسی:

فردوسی ظاهراً در اوان قتل دقیقی حدود «۳۶۹ - ۳۷۶» به نظم داستانهای مشغول بوده و بعضی از داستانها که متفردند «بیژن و گرازان»، را باید در رأس همه قرار داد. داستان بیژن و گرازان یا رزم بیژن و گرازان و